

آمریکا بعد از جلب تمایل ایران به مذاکره تدریجاً تکمیل پازل تسلیم را دنبال می‌کند

دست چُدنی بیرون زد

پنجشنبه‌شب بود که برخی رسانه‌های غربی اعلام کردند دور چهارم مذاکرات بین ایران و آمریکا که قرار بود در رم برگزار شود به تعویق افتاده است. پس از این خبرها بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان که میزبان مذاکرات محسوب می‌شود در توییت خود نوشت: «ما جلسه موقت ایران و آمریکا را که برای شنبه ۳ می برنامه‌ریزی شده بود، به دلایل لجستیکی، به زمان دیگری موکول می‌کنیم.» هم‌زمانی این خبر با کنار گذاشته شدن والتز، مشاور امنیت ملی آمریکا از این سمت به دلیل رسوایی سیگنال‌گیت و جایگزینی او با رویو این شائبه را به‌وجود آورده است که دلیل تعویق مذاکرات بیش از هرچیزی تغییرات سیاسی آمریکاست. تغییرات در ترکیب پر تناقض دولت آمریکا اگرچه نشانه بی‌ثباتی است، اما اینکه برخی در داخل ایران با اشاره به کنار گذاشته شدن والتز به عنوان شخصیتی با مواضع صریح علیه ایران از سمت مشاور امنیت ملی بخواهند این اقدام را پالس مثبت از جانب آمریکا برداشت کنند، غلط است؛ چراکه اولاً رویو، وزیر خارجه آمریکا که او هم مواضع تندی علیه برنامه هسته‌ای ایران داشته با حفظ سمت در وزارت خارجه جایگاه والتز را گرفته است و ثانیاً هم‌زمان بسا مذاکرات هنوز تهدیدها ادامه دارد و آمریکا دو دور تحریم را از زمان آغاز مذاکرات با ایران تصویب کرده است. ترامپ هم که پیش از این یک یادداشت ضد ایرانی را امضا کرده بود یک بار دیگر اعلام کرده که به دنبال به صفر رساندن میزان فروش نفت ایران است. ترامپ با سپردن مسئولیت مشا‌ور امنیت ملی به رویو، نشان داده که ایران با یک آمریکای واحد مواجه است که از زمان آغاز مذاکرات تاکنون مسیری را در پیش گرفته است که از چراغ سبز و پالس مثبت به ایران شروع شد و حالا به نقطه‌ای رسیده که آمریکایی‌ها خواسته‌های خودشان را به طور روز افزون افزایش داده و طی چند گام مسیر مذاکرات را به سمتی جهت‌دهی می‌کنند که عملاً نقطه تسلیم ایران و کاملاً خلاف جهت نامه‌نگاری‌های اولیه آمریکا با تهران محسوب می‌شود.

■ ■ ■

■ گام اول: ورود به مذاکرات با روی باز

دونالد ترامپ در آغاز مذاکرات با ایران، با نگارش نامه‌ای سعی کرد چهره‌ای باز و اعطاف‌پذیر از خود نشان دهد تا هم مسئولان ایرانی و هم افکار عمومی را به مذاکرات جذب کند. سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در برنامه سال تحویل صداوسیم‌ا درباره این نامه اظهار داشت: «نامه بیشتر جنبه تهدید دارد ولی ادعا می‌کند فرصت‌هایی هم وجود دارد. ما هر دو بُعد تهدید و فرصت را خواهیم دید.» آن‌طور که پیش از این در فضای رسانه‌ای در مورد نامه ترامپ بحث می‌شد، ترامپ در این نامه صرفاً مسئله هسته‌ای را مطرح کرده بود. این رویکرد به نظر می‌رسید برای کاهش حساسیت‌ها در ایران طراحی شده است، اما تهدیدهای پیشین او همچنان در متن نامه تکرار شده بود. این ترکیب تهدید و پیشنهاد، بخشی از استراتژی آمریکا برای جلب توجه ایران به مذاکرات بود. هدف اصلی این گام، ایجاد فضایی بود که ایران را به پای میز مذاکره بکشاند و هم‌زمان از شدت تنش‌های ظاهری کاسته شود. با این حال، لحن دوگانه نامه نشان‌دهنده پیچیدگی نیت‌های آمریکا بود؛ از یک سو تمایل به گفت‌وگو را نشان می‌داد و از سوی دیگر با تکرار تهدیدها، فشار را حفظ می‌کرد. این رویکرد در حقیقت تلاشی برای ایجاد شکاف بین مسئولان و مردم و جلب نظر بخشی از جامعه به مذاکرات تسلیم‌گونه بود. مذاکراتی که «فرمان‌پذیری و تحقق منافع آمریکا» تعبیر بهتری برای آن است.

■ گام دوم: جداسازی ایران از متحدان

در گام دوم، آمریکا با ورود به مذاکرات با ایران تلاش کرد با ایجاد امید به دستیابی به توافق احتمالی، ایران را از متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش، به‌ویژه قدرت‌های شرقی جدا کند. پیش از آغاز مذاکرات، ایران مسیر جایگزینی را در پیش گرفته بود و با تمرکز بر همکاری با کشورهای منطقه، سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس، به دنبال کاهش تأثیر تحریم‌های آمریکا بود. ایران نه تنها در این سازمان‌ها فعال شده بود، بلکه ایده‌هایی نظیر ایجاد ارز جایگزین برای دلار در چهارچوب بریکس را مورد پیگیری و تأکید قرار می‌داد. این اقدامات نشان‌دهنده عزم ایران برای کاهش وابستگی به نظام مالی تحت سلطه آمریکا بود. تقویت روابط با شرق است. دونالد ترامپ با پذیرش مذاکره مستقیم با ایران، به دنبال تضعیف این مسیر جایگزین بود. او با ایجاد تصور



امکان رسیدن به توافق، سعی کرد جدیت ایران در پیگیری همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را کم‌رنگ کند. این استراتژی به‌گونه‌ای طراحی شده است که ایران را به امید دستیابی به توافقی با آمریکا، از تقویت روابط با متحدانش، به‌ویژه چین و روسیه بازدارد. آمریکا با این رویکرد می‌خواهد ایران را در موقعیتی قرار دهد که اولویت‌بندی‌های استراتژیک خود را بازنگری کند و به‌جای تکیه بر شرق، به مذاکرات با غرب تمایل شود. این گام نشان‌دهنده درک آمریکا از موفقیت‌های ایران در دور زدن تحریم‌ها و گسترش نفوذ منطقه‌ای محسوب می‌شود. بنابراین ایجاد امید کاذب به توافق، بخشی از برنامه‌ای بزرگ‌تر برای تضعیف جایگاه ایران در ائتلاف‌های بین‌المللی است.

■ گام سوم: تهدید و تحریم کشورهای دیگر برای کاهش همکاری با ایران

در گام سوم استراتژی آمریکا، دونالد ترامپ با تشدید تهدیدات و تحریم‌ها علیه کشورهایی که با ایران همکاری می‌کنند، به‌دنبال قطع ارتباط اقتصادی و سیاسی ایران با متحدانش بود. این رویکرد، که حتی پس از آغاز مذاکرات با ایران ادامه یافت، نشان‌دهنده دوگانگی سیاست آمریکا در قبال ایران است. از یک سو، مذاکره برای جلب ایران به میز گفت‌وگو، و از سوی دیگر، افزایش فشار بر متحدان ایران برای تضعیف جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن. ترامپ پیش‌تر در یادداشت اجرایی خود اعلام کرده بود که هدفش به صفر رساندن صادرات نفت ایران است. این سیاست پس از شروع مذاکرات نیز با شدت پیگیری شد تا نشان‌دهنده عزم ترامپ برای تضعیف اقتصاد ایران و محدود کردن منابع مالی تهران باشد. ترامپ در مراسم روز ملی دعا در کاخ سفید، صراحتاً اعلام کرد: «من دیدش تحریم‌هایی علیه ایران خواهد داشت.» او که از ایران نفرت بخرد، اجازه تجارت با آمریکا را نخواهد داشت.» او در ادامه، در شبکه اجتماعی تروث سوشال نوشت: «تمام خریدهای نفت یا محصولات پتروشیمی ایران باید همین حالا متوقف شود! هر کشور یا شخصی که نفت یا محصولات پتروشیمی از ایران خریداری کند، بلافاصله مشمول تحریم‌های ثانویه آمریکا خواهد شد.» این تهدیدات، نه تنها علیه ایران، بلکه علیه کشورهایی است که با ایران همکاری دارند. علاوه بر این، کشورهای بریکس در حال بررسی ایجاد ارزی جایگزین برای دلار بودند، و ایران از این ایده حمایت می‌کرد. ترامپ در واکنش، تهدید کرد که اگر دلار از معاملات حذف شود، تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی علیه کشورهای بریکس اعمال خواهد کرد. این تهدیدات نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای حفظ سلطه مالی خود

و جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف‌های اقتصادی مستقل از غرب است که یکی از اثرات آن کاهش اثر تحریم‌های یکجانبه علیه کشورهای مختلف از جمله ایران به شمار می‌آید. آمریکا با این اقدامات در پی ارسال پیامی به متحدان ایران است که ادامه همکاری با تهران هزینه‌های سنگینی خواهد داشت. این گام، در کنار مذاکرات، نشان‌دهنده استراتژی پیچیده آمریکا برای محدود کردن گزینه‌های ایران و تضعیف شبکه همکاری‌های بین‌المللی محسوب می‌شود.

■ گام چهارم: ایجاد ابهام در برنامه هسته‌ای ایران توسط آژانس

در گام چهارم، آمریکا با بهره‌گیری از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اظهارات رافائل گروسی، مدیرکل آژانس تلاش می‌کند با ایجاد ابهام در برنامه هسته‌ای ایران، فشار بر تهران را در مذاکرات افزایش دهد. گروسی با ادعاهایی نظیر اینکه ایران اورانیوم غنی‌شده کافی برای ساخت «۶ تا ۷ پمپ اتمی» دارد، صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را زیر سؤال برد. این اظهارات، نه تنها برای تحت فشار قرار دادن ایران در مذاکرات با آمریکا طراحی شده بود، بلکه زمینه را برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی نیز فراهم می‌کند. این مکانیسم می‌تواند تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را بازگرداند و هزینه‌های توافق را برای تهران بالا ببرد. این رویکرد، بخشی از استراتژی هماهنگ آمریکاست تا با ایجاد تردید درباره نیت‌های ایران، قدرت چانه‌زنی تهران را تضعیف کند. این ابهام‌سازی، به‌ویژه در زمانی که ایران به‌دنبال اثبات تعهد خود به پیگیری یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز است، به‌عنوان ابزاری برای افزایش فشار روانی و دیپلماتیک عمل می‌کند. بسا طرح ادعاهای نگران‌کننده، آژانس به‌عنوان نهادی بین‌المللی، به آمریکا کمک خواهد کرد تا اجماع جهانی علیه ایران را تقویت کند.

■ گام پنجم: تغییر الگوی مذاکرات و توسعه خواسته‌ها

در گام پنجم، آمریکا با تغییر الگوی مذاکرات، نه تنها شرایط سخت‌گیرانه‌تری در مسائل هسته‌ای اعمال کرده بلکه تدریجاً خواسته‌های خود را به موضوعات غیرهسته‌ای و منطقه‌ای گسترش می‌دهد. در ابتدا دونالد ترامپ و استیو ویتکاف، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا تأکید داشتند که گفت‌وگو‌ها صرفاً بر مسائل هسته‌ای متمرکز است، ویتکاف حتی تلو یح‌احی ایران برای غنی‌سازی تا ۳۰ درصد را به رسمیت شناخته بود. مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی، در مصاحبه‌ای بعد از اولین دوره مذاکرات با گفتن این جمله که «ایران نیازی به غنی‌سازی بیشتر از ۳/۶ درصد ندارد.» تلو یح‌احی ایران بر غنی‌سازی مطابق



برجام را به رسمیت شناخته بود اما خیلی زود مارک رویو، وزیر خارجه آمریکا موضع او را اینگونه تحریف کرد که منظور ویتکاف این بود که ایران باید مواد غنی‌شده مورد نیاز خود تا ۳/۶ درصد را وارد کند. نه اینکه خودش تولید کند. این تغییر، نشانه‌ای از تشدید خواسته‌های هسته‌ای آمریکاست. هم‌زمان مقامات آمریکایی به طرح مطالبات منطقه‌ای پرداختند. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا در شبکه اجتماعی ایکس، ایران را به حمایت از حوثی‌ها متهم و تهران را این‌گونه تهدید کرد: «شما تاوان این حمایت را در زمان و مکانی که ما انتخاب می‌کنیم، خواهید داد.» این پیام، که توسط ویتکاف بازنشر شد، نشان‌دهنده هماهنگی در رویکرد تقابلی آمریکا بود. هگست همچنین پیامی قدیمی از ترامپ را بازنشر کرد که ایران را مسئول اقدامات حوثی‌ها می‌دانست. این اظهارات، مذاکرات را حداقل در فضای رسانه‌ای از سطح هسته‌ای به مسائل منطقه‌ای کشانده و نشان‌دهنده این است که آمریکا به دنبال تحمیل خواسته‌های گسترده‌تر است. آمریکا با طرح موضوعات غیرهسته‌ای سعی دارد مذاکرات را به سمتی هدایت کند که عملاً ایران را در موضع ضعف قرار دهد. هدف نهایی این گام، تسلیم ایران به شرایط آمریکاست. با سپردن نقش مشا‌ور امنیت ملی به رویو، که مواضع تندی علیه ایران دارد، ترامپ نشان داد که آمریکا به‌صورت یکپارچه عمل می‌کند و مذاکرات را به ابزاری برای تحمیل اراده خود تبدیل کرده است.

■ ایران حق دارد به آمریکا سوءظن داشته باشد

همه این موارد نشان می‌دهد که نباید با درگیر شدن با اخبار تغییرات در هیئت حاکمه آمریکا و درک دوگانه‌ای که از مدیریت دولت در آمریکا وجود آورد، این گزاره را ضریب داد که ما با ۲۰ آمریکا طرفیم که با طرف خوب آن می‌توانیم مذاکره کنیم. اشتباهی که پیش از این با تقسیم‌بندی آمریکا به دموکرات و جمهوری‌خواه و رؤ‌یابردازی در مورد قابل مذاکره بودن دموکرات‌ها ضریب داده می‌شد. اکنون نباید در مورد دولت ترامپ با ایجاد دوگانه تیم ترامپ و تیم غیر ترامپ تکرار شود؛ چراکه آمریکا چه با والتز و چه بدون والتز همچنان رو به تهدید ایران آورده و مقامات رسمی این کشور از جمله ترامپ، رویو، هگست و ویتکاف همگی همین راهبرد تقابلی را در پیش گرفته‌اند. ما در نهایت با یک آمریکا مواجهیم که مملو از تنش آفرینی و بدعهدی در مقابل ایران است، لذا باید با بی‌اعتمادی نسبت به این کشور جلو برویم. این اصل همان چیزی است که عراقچی پس از دور سوم مذاکرات در عمان از آن با عنوان نگاه محتاطانه یاد می‌کند و در بیانیه واکتشی وزارت خارجه به تحریم‌های جدید آمریکا نیز با تعبیر «حق بودن ملت ایران برای سوءظن به جدیت آمریکا در مسیر دیپلماسی» گنجاخته شده است.

روبوو اولین وزیر خارجهٔ آمریکا پس از کی‌سینجر است که هم‌زمان دو مسئولیت مهم در کاخ سفید دارد؛ اما او بدیهیات را هم در موضوع هسته‌ای نمی‌داند

نگشیمون کی‌سینجر

وزیر خارجه آمریکا می‌گوید ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کرده و اورانیوم غنی‌شده را از خارج وارد کند. مارکو رویو مدعی شده که همه کشورهای دنیا همین کار را می‌کنند، مگر اینکه سلاح اتمی داشته باشند. یک بررسی ساده نشان می‌دهد که سخنان او دقیق نیست و با نوعی تغافل همراه است که احتمالاً با انگیزه فریب افکار عمومی و فضاسازی علیه ایران انجام گرفته است. رویو حالا و پس از استعفاى برکناری گونه والتز، علاوه بر وزیر خارجه آمریکا، پست مشاور امنیت ملی را هم در اختیار دارد. اما گوئی بر سر بدیهیات هسته‌ای جهان هم باید با او دچار چالش شد!

کشورهایی در جهان هستند که بدون دارابودن فناوری ساخت سلاح هسته‌ای، غنی‌سازی اورانیوم را انجام می‌دهند. از جمله، بلژیک، هلند، ایتالیا، ژاپن و... لذا پوچ بودن چنین ادعایی روشن است. از سویی، علاوه بر مصارف داخلی، غنی‌سازی اورانیوم را می‌توان همچون هر فناوری دیگری به‌عنوان یک مسیر اقتصادی برای هر کشوری تعیین کرد. گرچه چنین نگاهی در مناقشه غرب با ایران بر سر فناوری هسته‌ای ایران، باتوجه‌به مسائل مهم‌تر دیگر، نازل به نظر می‌رسد و نمی‌تواند چنداند محل توجه قرار بگیرد.

سؤال مهمی در اینجا وجود دارد که در صورت ن‌دافن ایران به توقف غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور و تأمین اورانیوم غنی‌شده مورد نیاز از خارج، چه تعهد و تضمینی وجود دارد که نیاز ایران در این زمینه تأمین شود؟

فرهنگ‌نخبگان

فرهنگ‌نخبگان

شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴
شماره ۴۴۰۱
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE